

## نمودهای تشیع در قزوین با تاکید بر منابع تاریخی مصور

ستار زلفی<sup>۱</sup>

شهربانو دلبری\*<sup>۲</sup>

اردشیر اسدبیگی<sup>۳</sup>

محمود مهدوی دامغانی<sup>۴</sup>

### چکیده

در این پژوهش که به روش توصیفی- تحلیلی است و اطلاعات و تصاویر آن به روش کتابخانه‌ای و مجازی جمع‌آوری شده، تعدادی از نگاره‌های نسخ خطی مکتب قزوین با مضمون شیعی مربوط به دوره‌ی صفوی معرفی شده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که قصه‌های برگرفته از قرآن، وقایع و آموزه‌های اسلام و تشیع، که به شکلی صریح یا نمادین بیانگر حقیقت و حقانیت تشیع هستند، شاکله‌ی اصلی این نگاره‌ها را می‌سازند و مضامین و مفاهیم کانونی و مهم تشیع مانند حق جانشینی و امامت حضرت علی (ع) به انتخاب خداوند، عصمت امامان شیعه، باور به کرامات و معجزات امامان، باور به شفاعت امامان و بیان شأن و جایگاه قدسی ائمه، در نگاره‌های این نسخه‌ها بازنمایی شده‌اند. هنرمندان به وجود آورنده، این آثار با اجتناب از روش واقع‌گرایانه و با به‌کارگیری نشانه‌ها، نمادها و تمهیدات تجسمی و تصویری، توانسته‌اند باورها، روایت‌ها و مفاهیم رمزی و معنوی را در قالب تصویر به تجسم درآوردند و نگاره‌های شیعی را از نگاره‌های مذهبی متمایز سازند. همچنین شمایل و چهره‌ی شخصیت‌های مقدس شیعه را به شکلی نمادین

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد،

ایران [sattar.zolfi@gmail.com](mailto:sattar.zolfi@gmail.com)

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول)

[tarik2003@yahoo.com](mailto:tarik2003@yahoo.com)

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

[Jafar.asadbeigi@gmail.com](mailto:Jafar.asadbeigi@gmail.com)

۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

[Jafar.asadbeigi@gmail.com](mailto:Jafar.asadbeigi@gmail.com)

و با عناصر تزئینی خاص به تصویر کشیده و بر جایگاه بی‌بدیل و قدسی ایشان تأکید نمایند و مخاطب را به شناخت وجه معنوی و کمال باطنی ایشان هدایت کنند.

### اهداف پژوهش

- ۱- آشنایی با نسخ خطی شیعی مکتب قزوین و تشریح و تبیین ویژگی‌های اصلی نگاره‌های آنان
- ۲- بررسی چگونگی تصویرسازی شمایل شخصیت‌های مقدس شیعه و صورت، محتوا، روایت و روش بیانی ظهور یافته در نگاره‌های نسخ خطی قزوین با توجه به نمونها و مفاهیم مهم تشیع

### سوالات پژوهش

- ۱- چه مضامین و مفاهیمی در این نگاره‌ها بازنمایی شده‌اند؟
- ۲- هدف هنرمند از بازنمایی این مضامین و مفاهیم شیعی چه بوده و از چه تمهیدات و نمادهایی برای به تصویر کشیدن آن‌ها بهره جسته است؟

**کلمات کلیدی:** تشیع، صفویه، منابع تاریخی، نسخ خطی.

### مقدمه

یکی از شهرهایی که در دوران فتوحات توسط سربازان اسلامی فتح گردید و هر دو نوع تفکر (اقلیت شیعه و اکثریت سنی) در آن وارد شد؛ شهر قزوین است. این شهر امروزه جمعیت تقریباً صد درصدی شیعه را در خود جای داده است. مردمان قزوین همچون بسیاری از مناطق ایران در عصر فتوحات، از طریق سپاهیان که حامل و ناشر پیام سقیفه بودند، با اسلام آشنا شدند. اما به نظر می‌رسد. تفکر شیعه‌گری نیز از همان سال‌های آغازین فتوحات، با ورود غازیان به شهر منجر به آشنایی مردمان به تشیع گردیده است. این آشنایی چندان مداوم بوده که گویا در آستانه ظهور صفویان اکثریت

مردم قزوین (به‌رغم محققان جدید)، شیعه بوده یا تمایلات شیعه‌گری داشته‌اند. آغاز مرحله‌ی جدید در تاریخ اسلامی کشور ایران، با حکومت صفویه شروع می‌شود. زیرا نقطه‌ی اوج تحولات معینی را در دوره‌ی تاریخ طولانی مذهبی- عقلانی بر پایه‌ی حکومت شیعه در ایران به وجود آورد. سقوط مغول‌ها و چشمگیرتر از آن تغییر مذهب محمد خدابنده اولجایتو، یکی از فرمانروایان ایلخانی به سوی تشیع، راه را برای رشد این مذهب در ایران فراهم ساخت. این رخداد‌های بزرگ نفوذ اولیه‌ی تشیع را که به وسیله‌ی فرقه‌های صوفیه ایجاد شده بود، ادامه داد. نقش کلیدی این فرقه‌ها، آماده سازی مردم برای پذیرش تشیع تحت حاکمیت صفویه از راه تأکید بر جنبه‌های روحانی و معنوی مذهب داشتند. اهمیت مذهب تشیع و تمایل به آن، آشکارترین مشخصه‌ی اواخر دوران حاکمیت مغول بود (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۹۶).

آثار هنری در دوران حاکمیت مذهب و زمانی که حامیان هنری به ایدئولوژی و اعتقادی خاص اهتمام ویژه می‌ورزند، عمدتاً هدفمند و وابسته می‌گردند و موضوعات مذهبی و اعتقادی، دامن آثار هنری را تجلی‌گاه خویش می‌سازند. ظهور مضامین شیعی در آثار هنری که پیش از رسمی شدن مذهب تشیع در ایران آغاز شده بود، در دوران صفویان به رشد فزاینده‌ای دست یافت و تا دوران قاجار نیز تداوم یافت. رابطه ایجاد شده میان مضامین شیعی و هنر نه تنها در تصاویر کتاب‌ها بلکه در سایر امور هنری مانند نقاشی‌های دیواری، نقوش کاشی‌کاری، نقاشی‌های زیرلاکی، نقاشی پشت شیشه و حتی طراحی نقوش فرش نیز به وفور مشاهده می‌شود که نشان از پیوستگی عمیق مبانی تفکر شیعی با زندگی ایرانیان دارد. گفتمان تشیع، مجموعه‌ای منسجم از مفاهیم، باورها و روایت‌ها را دربر می‌گیرد که با در اختیار گرفتن ذهنیت شیعیان، در تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی آنان بازتولید می‌شود و منطقی‌اً انتظار می‌رود در صورت و محتوای نگاره‌های دارای مضامین شیعی به ظهور رسیده باشد. با توجه به اینکه گرایش تشیع، گفتمان ویژه‌ای پیرامون مفاهیم و قضایای اسلامی مطرح می‌سازد، ضرورت دارد در پرتو مفاهیم، باورها و روایت‌های مورد نظر و تأکید گفتمان تشیع، به توصیف و تحلیل نگاره‌های شیعی مبادرت ورزید. از این طریق، می‌توان نتایج درخور توجهی پیرامون ماهیت و وجوه مختلف نگارگری شیعی به دست آورد و مبانی نظری هنر و نگارگری شیعی را گسترش داد.

## قزوین و فتح آن توسط مسلمانان

قزوین یکی از شهرهای ایران است که تاریخچه و ریشه‌ی آن به دوران ساسانیان بازمی‌گردد و بنای آن را به شاپور ساسانی نسبت داده‌اند. قزوین شاه راه اقتصادی جاده ابریشم و سالها محل گذر بازرگانانی بود که کالاهای خود را از شرق به غرب می‌بردند. قزوین در زمان حکومت صفویان حدود ۵۷ سال پایتخت ایران بوده و از همین رو دارای اماکن و میراث فرهنگی و تاریخی بسیاری است و از نظر تعداد اثر تاریخی، رتبه‌ی نخست در ایران و سوم در جهان را دارد. قزوین پایتخت بزرگ خوشنویسی ایران است و از جمله خوشنویسان معروف خط پارسی می‌توان به میرعماد قزوینی اشاره کرد.

قزوین به واسطه موقعیت سوق‌الجیشی جغرافیایی؛ از آغاز ورود سپاه اسلام به ایران مورد توجه قرار گرفت. ضمن آن که این شهر در تمامی مقاطع تاریخی قبل یا بعد از اسلام همواره مورد توجه همه دولت‌ها و حکومت‌ها بوده و این مطلب در کلیه آثار از جمله آثار اسلامی و حتی منابع غربی به چشم می‌خورد (کولسینکف، ۲۵۳۷: ۲۵۱). کلیه منابع تاریخی بدون استثناء، قزوین را از ثغور سرزمین‌های اسلامی معرفی می‌کنند. به تصریح منابع تاریخی؛ قزوین در عهد خلافت عمر بن الخطاب فتح شده است. در شرح این فتح آمده که فرمانده سپاه عرب (براء بن عازب)، پس از فتح ابهر روانه قزوین گردید. قزوینیان ابتدا به امید مدد مردمان دیلم در مقابل اعراب صف‌آرایی کردند؛ اما چون از یاری دیلمیان ناامید شدند تقاضای صلح کردند. گفته می‌شود که آنان (مردمان قزوین) از دادن جزیه امتناع ورزیده و اسلام آوردند.

اندکی بعد از فتح قزوین، با انتقال پایتخت دولت اسلامی به شهر کوفه در دوران خلافت امام علی (ع)، کوفه به یکی از نخستین مراکز اجتماع شیعیان در دولت اسلامی بدل شد. بنابراین آمد و شد افراد و خاندان‌های شیعی از کوفه به قزوین که حامل تفکر شیعی بوده و بر مردمان قزوین متأثر باشند، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بوده است. مؤید این گفته آن که حضور و اسکان اعراب شیعی در قم در قرن اول (به ویژه از شهر کوفه) بر گسترش تشیع در قم تاثیر غیر قابل انکاری داشت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۰۷). ازسویی از این نکته نیز نباید غافل بود که درحالی که آمد و شد مردم کوفه می‌توانسته

**عنوان مقاله:** نمودهای تشیع در قزوین با تاکید بر منابع تاریخی مصور

باعث نفوذ افکار شیعه‌گری به شهر گردد، ورود انبوه سپاهیان و بالطبع ورود اسلام اهل تسنن نیز امری بدیهی بوده است، زیرا قزوین به واسطه موقعیت جغرافیایی در کانون توجه قرار داشت. بنابراین دولت اسلامی بدون وقفه جنگجویان بسیاری را به این منطقه گسیل می‌داشت. آنان جهت تحریک و تهییج سپاهیان در آمدن به قزوین احادیث فراوانی در خصوص فضیلت جهاد و شهادت در قزوین و حتی اجر و پاداش اخروی به واسطه بیتوته در قزوین از پیامبر نقل کردند. حتی برخی احادیث منسوب به پیامبر اکرم (ص) از قول امام علی (ع)، جابرین عبدالله انصاری، ابوذر غفاری و... که در نزد شیعیان مورد تأیید بودند، نقل شد تا به مقبولیت احادیث در چشم شیعیان نیز خدشه وارد نشود (مستوفی، ۱۳۶۴: ۷۵۸-۷۷۳). گرچه غالب این احادیث ساختگی به نظر می‌رسند، چنان که «ابن قیم» تمامی احادیث در خصوص فضیلت شهرها را کذب می‌داند. (ابن قیم جوزیه، ۱۳۸۷: ۱۰۸). با این حال، وجود این احادیث و تبلیغات مشابه آن و طمع دریافت غنایم و فضیلت جهاد در راه خدا و... عواملی بود که سبب گردید غازیان مسلمان در قالب دسته‌جات بزرگ و پی در پی به ثغر قزوین وارد شوند. این غازیان که فرماندهان و سپاهیان ارشد و غالب سربازانش؛ از اهل سنت بودند؛ با ورود و اسکان در قزوین به سرعت بر جمعیت سنی‌نشین شهر افزودند. به عبارت دیگر در ابتدای امر؛ نه مردم شهر که جمع‌کثیری از واردشوندگان بر این شهر سنی بودند، بنابراین تأثیر آنان بر مردمان شهر نیز مورد انتظار بوده است. به‌ویژه که مذهب آنان مورد تأیید و حمایت دستگاه حاکم نیز بود. بنا بر آنچه گفته شد تردیدی وجود ندارد که جمعیت شیعیان در قزوین نسبت اهل سنت کمتر بوده است. مطلب مهم قابل ذکر آن است که قزوین از همان قرن نخست با شهر کوفه ارتباط داشته است، به همین جهت جماعت شیعه از همان قرن نخست از جایگاه معتبر و ویژه‌ای در قزوین برخوردار بوده‌اند.

این شهر امروزه جمعیت تقریباً صددرصدی شیعه را در خود جای داده است. اکثر محققان و مورخان جدید با تأثیر از چند منبع تاریخی متقدم قزوین را شهری سنی‌نشین معرفی کرده و آن را «دارالسّنه‌ای» نامیده‌اند که با ظهور صفویه و تحت تأثیر تبلیغات مذهبی آنان، از تسنن به تشیع امامیه، گرایش یافته است. طرفداران این نظریه اندک نیستند در حالی که به نظر می‌رسد این عقیده بر وجهی صحیح نباشد. مردمان قزوین همچون بسیاری از مناطق ایران در عصر

**عنوان مقاله:** نمودهای تشیع در قزوین با تأکید بر منابع تاریخی مصور

فتوحات، از طریق سپاه‌یانی که حامل و ناشر پیام سقیفه بودند، با اسلام آشنا شدند. اما به نظر می‌رسد تفکر شیعه‌گری نیز از همان سال‌های آغازین فتوحات، با ورود غازیان به شهر؛ منجر به آشنایی مردمان به تشیع گردیده است. این آشنایی چندان مداوم بوده که گویا در آستانه ظهور صفویان اکثریت مردم قزوین (به رغم محققان جدید) شیعه بوده یا تمایلات شیعه‌گری داشته‌اند.

### آثار حضور شیعیان در قزوین

با اندک جستجو در منابع تاریخی؛ به می‌توان به مطالبی دست یافت که از جایگاه معتبر شیعه (بر خلاف تصور عمومی) در همان قرن نخست حکایت دارد. برخی از این شواهد به اجمال از نظر خواهند گذشت.

#### ۱- ممنوعیت لعن علی (ع) در قزوین

یکی از سخیف‌ترین اعمالی که امویان در طول خلافت خود در رواج آن کوشیده و سعی بی‌انتها کردند؛ لعن علی (ع) و فرزندانش بر منابر مسلمین بود. نمونه‌های فراوانی از تلاش امویان؛ از مورخان شیعی و سنی گزارش گردیده است. چنانکه حجاج بن یوسف «عطیه بن سعد»، را به جرم لعن نکردن علی (ع) بر منبر، چهارصد ضربه شلاق بزد و سر و ریش بتراشید. زیاد بن ابیه مردم کوفه را فراهم آورده و آنان را به لعن علی (ع) ترغیب می‌کرد؛ و هرکه در این کار دریغ می‌کرد؛ سر و کارش با شمشیر بود (مسعودی ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۰). در قرن نخست و در اوج قدرت امویان؛ و در حالی که آنان می‌خواستند لعن علی (ع) را در تمامی لایه‌های جامعه اسلامی ترویج دهند؛ (همان: ۳۶) و جانشینان معاویه (جز در موارد استثنا) به قول یاقوت در شرق و غرب عالم اسلامی (در قلمرو امویان) علی (ع) را بر منابر لعن می‌کردند (حموی، ۱۹۵۵: ج ۳، ۱۹)؛ عامل اموی در قزوین در مقابل دیدگان عامه به جرم اهانت و لعن علی (ع) کشته شده و واکنشی نیز از سوی سنیان و عوامل حکومتی در قبال کشته شدن عامل گزارش نگردیده است. مهم‌تر آن که پس از ان واقعه لعن علی (ع) نیز منقطع گشته است. بنابراین می‌توان تصور نمود که شیعیان قزوین در قرن نخست از لحاظ جایگاه و جمعیت دارای موقعیت ممتازی بوده‌اند که چنین امر مهمی اتفاق افتاده است.

**عنوان مقاله:** نمودهای تشیع در قزوین با تاکید بر منابع تاریخی مصور

## ۲- فعالیت‌های زیدیه در قزوین

چنان که ذکر شد مردمان قزوین از همان قرن نخست در کنار تسنن به واسطه رفت و آمد فراوان سپاهیان، مهاجرت اعراب، پناه جویی علویان و... با اندیشه‌های تشیع نیز کمابیش آشنا شدند. این امر سبب گردید تحرکات و قیام‌های شیعی همواره مورد حمایت شیعیان این شهر باشد. این حمایت‌ها سبب شد رهبران قیام‌ها توجه ویژه‌ای به قزوین داشته باشند. چنانکه رهبران زیدیه با آگاهی از علاقه مردمان در قزوین همواره در این شهر فعال بودند.

## ۳- مقابر امامزادگان شیعه در قزوین

مقابر و آرامگاه‌ها از جمله اسناد و شواهد تاریخی هستند که می‌توانند بیانگر برخی وقایع، حوادث، جریان‌های اجتماعی، تفکرات مذهبی و امثال آن در جامعه باشند. جامعه شیعیان به طور عام و علمای شیعه به طور خاص هیچگاه از سوی دستگاه‌های خلافت اموی و عباسی در امان نبودند. ائمه و فرزندان ایشان و حتی پیروانشان به طرق مختلف مورد آزار و اذیت امویان و عباسیان واقع می‌شدند و به ویژه اگر نسبت به دستگاه حاکم اعتراضی داشتند، همواره در معرض زندان و شکنجه و شهادت قرار می‌گرفتند. بنابراین منطقی می‌نمود که پیروان و به ویژه فرزندان سادات، در تنگناهای حکام جور؛ دست به مهاجرت بزنند. آنان در مهاجرت، به طور طبیعی مقاصد خویش را در نقاطی قرار می‌دادند که ضمن امنیت جانی، اهالی مناطق نیز برای پذیرش آنان و افکارشان جهت مبارزات و دفاع احتمالی آمادگی داشته باشند. زیرا در غیر این صورت مهاجرت امری بی‌فایده می‌نمود. وجود قریب به دویست و پنجاه آرامگاه مربوط به امامزادگان شیعه در قزوین و اطراف آن را می‌توان حاکی از نوعی آرامش و پناه بری علویان به این منطقه قلمداد کرد. شاید برجسته‌ترین مقابر شیعه در قزوین؛ آرامگاه امامزاده حسین(ع) باشد. در شهر قزوین و در بخش جنوبی این شهر زیارت گاهی وجود دارد که گفته می‌شود متعلق به فرزند خردسال امام رضا (ع) با نام حسین است. که اهالی با نام شاه زاده حسین از آن یاد می‌کنند. امام رضا (ع) در سنه ۲۰۳ هجری قمری وارد قزوین شد و فرزند خردسال ایشان در این سفر بر اثر بیماری فوت نموده و در همان شهر مدفون گردیده است (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۱۳۴).

#### ۴- مشاهیر شیعه در قزوین

قزوین (همچون بسیاری از مناطق ایران)، از دیرباز مهد استعداد‌های ناب انسانی بوده است. تألیف و تدوین هزاران دست نوشته در قرون متمادی، شاهدی بر این مدعاست. وجود تعداد قابل توجهی از تصانیف و تألیفات مربوط به شیعیان قزوین در اعصار گوناگون حاکی از پویایی شیعیان در این شهر است. آقا بزرگ طهرانی در الذریعه حدود هزار و هشتصد اثر منسوب به رجال قزوین را معرفی می‌کند که از این تعداد حدود دویست اثر مربوط به مؤلفان شیعه قبل از ظهور صفویه است.

#### ۵- قزوین پایتخت صفویه

سلسله صفوی در سال ۹۰۷ هجری (۱۵۰۱م)، توسط شاه اسماعیل به طور رسمی در تبریز تأسیس گردید (دوغلان، ۱۳۸۳: ۷۰۹). حکومت این سلسله گر چه همانند تمامی شاهان اندک اندک به سلطنت استبدادی بدل گشت (لاکه‌پارت، ۱۳۸۳: ۱۰) اما با اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی در ایران، در ترویج و تعمیم آن کوشیدند (پاشازاده، ۱۳۷۹: ۴۷) و خود نیز در جامعه شیعیان ایرانی مشروعیت یافتند. پر واضح بود که تبلیغات مذهبی و موفقیت صفویان با سیاست همسایگان غربیشان (دولت عثمانی) در تضاد بود. آتش اختلافات عثمانی و صفوی چنان شدید بود که منجر به جنگ‌های فرسایشی گردید و هر دو دولت به شدت از آن جنگ‌ها متأثر گردیدند. هر دو دولت به شدت در مذهب خویش متعصب نشان دادند بنابراین صفویان در دو سوی مملکت خویش در شرق و غرب با سنیانی مجاور بودند که هیچگاه مذهب شیعه جعفری را در زمره مذاهب حقه قلمداد نکردند (مینورسکی، ۱۳۸۷: ۲۸۴). در چنین شرایطی یکی از راهکارهای ممکن و منطقی برای دولت صفوی انتقال پایتخت از تبریز به مکان دیگر بود زیرا این شهر از لحاظ جغرافیایی به عثمانیان سنی مذهب بیش از اندازه احتیاط نزدیک و از اربکان متعصب بیش از حد دور بود. بنابراین صفویان با سنجیدن این مسئله و بررسی سایر عوامل در عهد شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق) پایتخت خود را به قزوین منتقل ساختند.



شهر قزوین پس از تشکیل دولت صفوی اهمیت ویژه و منحصر به فردی یافت و به سرعت مراحل رشد و ترقی خود را در زمان شاه طهماسب اول طی کرد. این شهر در وهله‌ی نخست مرکز تجمع گروه‌ها و اقوام مختلفی شد که پس از پایتخت شدن راهی این شهر شدند. همچنین مرکزیت سیاسی این شهر اهمیت مذهبی و تجاری قابل توجهی بدان بخشید. در این دوران ساخت بناها و مساجد جلوه‌ی جدیدی به فضای این شهر بخشید، اما دیری نپایید که با انتقال پایتخت به اصفهان همین شهر پرجمعیت و پر جنب و جوش بر اثر نابسامانی و درهم ریختگی سیاسی و اجتماعی رونق گذشته خود را از دست داد (عادلفر، فراهانی فرد، ۱۳۹۰: ۵۱).

#### ۶- منابع تاریخی مصور شیعی قزوین

مذهب در دوران صفویان و تیموریان نقش مهمی در روند مطالعه‌ی فرهنگ و هنر، در فاصله‌ی سده‌های نهم و دهم برعهده دارد. برنامه‌های فرهنگی و علایق شخصی حاکمان تیموری، بیانگر ارتباط مستقیم هنر و ایدئولوژی بود. ایشان آثار هنری، با مضامین شیعی را سفارش می‌دادند که نشان دهنده‌ی علاقه و ارادتشان به مذهب شیعه بود و به این وسیله رقابت‌هایی به وجود آوردند و در نهایت، استانداردهای جدیدی را در زمینه‌ی هنرهای بصری در شرق اسلام پایه‌گذاری کردند (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۹۶). بخشی از درون‌مایه‌ی نسخه نگاره‌ای ایرانی در برخی از دوره‌ها و مکاتب هنری به خصوص قرن دهم به بعد معطوف به بازنمایی مضامین و مفاهیم اسلامی و شیعی است؛ اما نگارگران به تبع شرایط مذهبی و سیاسی هر دوره و اهداف مورد نظر حامیان، به گزینش این گونه مضامین مبادرت ورزیده و آن‌ها را به شیوه‌های متفاوت از واقع‌گرایانه تا نمادین به تصویر درآورده‌اند (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۶).

حکومت صفویه از سال ۹۴۷ هجری قمری ساختار هنری ایران را دگرگون کرد. این حرکت، تحت نظر شاه تهماسب آغاز و در خلال تحولی ریشه‌دار و اساسی توسط شاه عباس تکمیل شد. نظم و ترتیب جدید که به وجود آمده بود، شهرستان‌ها را تحت مدیریت قابل اعتماد سلطنت به طور منسجم به هم پیوند داد. در نتیجه فرهنگ پایتخت در سراسر امپراتوری گسترش یافت؛ این مسأله موجب شد که حتی مکتب معمولاً مستقل شیراز، در اواخر سده‌ی دهم هجری به

مکتب قزوین نزدیک شود (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۳۵). مکتب قزوین در سال ۹۵۵ هجری قمری و پس از آنکه شاه تهماسب به قدرت رسید و مرکز حکومت صفویان را از تبریز به قزوین منتقل ساخت، شکل گرفت. ادبیات و هنرهای تزئینی تحت حمایت‌های شاه تهماسب به کمال مطلوب نزدیک شدند. شاه تهماسب خود استاد و در عین حال حامی و مشوق هنرهای نقاشی، تذهیب و خوشنویسی بود (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۹۸). از نگارگران معروف مکتب قزوین، استاد محمد قزوینی، صادق بیگ افشار، علی اصغر کاشانی، مولانا شیخ محمد، مولانا میرمصور و از آثار این مکتب، فالنامه‌ی تهماسبی، شاهنامه‌ی تهماسبی، هفت اورنگ جامی و خمسه‌ی نظامی و ... را می‌توان نام برد.

#### ۱- شاهنامه‌ی تهماسبی

شاهنامه‌ی تهماسبی نسخه‌ی دست‌نوشته عظیم پرنگاره‌ای است که کتابت و نگارگری و تذهیب و تجلید آن توسط گروهی از بهترین نگارگران و صحافان و کتاب‌آرایان کتابخانه‌ی دربار صفوی از زمان شاه اسماعیل یکم در حدود ۹۲۷ هجری قمری برای اهدا به فرزند هشت ساله‌اش تهماسب میرزا آغاز شد و در دوره‌ی شهریار او، ادامه و سرانجام یافته است. نگاره‌های این نسخه‌ی خطی به دلیل دارا بودن برترین ویژگی‌های زیبایی‌شناسی، معنایی و فنی خود در میان سایر آثار تاریخ نگارگری ایران، بر نظیر و در اوج زیبایی و درخشندگی هستند (احمدی نیا، ۱۳۹۳: ۴۱). این نسخه ۲۸۵ نگاره را در بر می‌گیرد و به عنوان شاهنامه هوتن شناخته شده است که توسط شاه تهماسب در سال ۹۷۶ هجری قمری به سلطان سلیم دوم هدیه شد و در کتابخانه عثمانی تا سال ۱۲۱۶ هجری قمری باقی ماند. در سال ۱۳۲۱ هجری قمری این نسخه در مجموعه بارون ادموند رزشیلد نگهداری می‌شد. یکی از انساب ادموند آن را در سال ۱۳۷۹ هجری قمری به آرتور.آ. هوتن (کسی که ۷۸ نگاره از آن را به موزه‌ی هنر متروپولیتن در نیویورک بخشید) فروخت. سایر نگاره‌ها اکنون در موزه‌ی هنر اسلامی برلین و نزد چند مجموعه‌دار نگه‌داری می‌شود. تصویری از این نسخه خطی، کشتی شیعیان را نشان داده که پیامبر (ص)، امام علی (ع) و دو فرزندش را ترسیم می‌نماید (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۷). این نگاره که در ابتدای معروف‌ترین کتاب ایرانی یعنی نسخه‌ی خطی شاهنامه فردوسی شاه تهماسب، کشیده شده، تطبیق



هویت ایرانی با مذهب شیعه را نشان می‌دهد. تصاویر موجود در این نسخه خطی، نشانگر تعالی بخشیدن به دربار صفویان است که در چند نسخه به تصویر کشیده شده است. در آغاز شاهنامه، شاعر باورهای مذهبی خود را تشریح می‌کند. در این جا شاعر مثالی از مسافران محکوم به فنا می‌آورد که بر هفتاد کشتی سوار شده و هفتاد نوع مذهب بشری را حمل می‌کنند. با توجه به سخن ولج سیاهان آفریقایی، چینی‌ها و اروپاییان بین مسافران و خدمه کشتی دیده می‌شوند. بزرگترین و زیباترین کشتی، خاندان مقدس شیعه را حمل می‌کنند و فردوسی برای این کشتی در این نسخه از شعر (که برای سفارش دهنده‌ای شیعی تهیه

شده)، رسیدن به ساحل نجات را به تصویر کشیده است. تمام فرقه‌ها و مذاهبی که فردوسی شاعر آن‌ها را هفتاد نوع تخمین زده است به دریای ابدیت می‌پیوندند و تنها شیعیان در سلامت و امنیت به ساحل نجات خواهند رسید. حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) و دو شخصیت دیگر که احتمالاً امام دوم و سوم هستند، همگی با هاله‌ای از نور و روشنایی به تصویر کشیده شده‌اند. آن‌ها دستار معروف صفوی که شامل عمامه‌ای که به دور چوبی پیچیده شده بود را به سر دارند و این نوع دستار در دوره‌ی شاه طهماسب و شاه اسماعیل نیز مرسوم بوده است. حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) در زیر سایبان کشتی نشسته‌اند و امام حسن و امام حسین در دو سمت کشتی ایستاده‌اند. در گوشه سمت راست تصویر، خورشید نورافشانی می‌کند که می‌تواند نمادی از درخشش و روشنایی قوانین اسلام در نظر گرفته

**عنوان مقاله:** نمودهای تشیع در قزوین با تاکید بر منابع تاریخی مصور

شود که آسمان تاریک زندگی را روشن می‌کند. این نقاشی (تصویر شماره ۱)، از اولین کارهای میرزاعلی پسر سلطان محمد و معاصر شاه طهماسب است. این مسأله بر ارتباط حضرت علی (ع) و اهل بیت با پیامبر (ص) تاکید و بر حقانیت شیعه در جهان اسلام گواهی دارد (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۵۰-۱۴۸).

## ۲- فالنامه‌ی تهماسبی

نسخه‌ی فالنامه به سفارش شاه تهماسب و پس از اتمام آثار بزرگ دربار صفوی یعنی شاهنامه تهماسبی و خمسه نظامی در مکتب قزوین مصور شده است. تهیه این نسخه به احتمال زیاد در سال ۹۴۷ هجری قمری آغاز و در سال ۹۵۷ هجری قمری به پایان رسیده است. تا کنون ۲۸ نگاره از این نسخه شناسایی شده که به صورت پراکنده در مجموعه‌های متعدد خارج از کشور مانند گالری ساکلیرو واشنگتن، موزه برلین، کتابخانه چستربیتی دوبلین، موزه متروپولیتن و موزه لوور پاریس نگهداری می‌شوند. نقاشان این نسخه را آقامیرک و عبدالعزیز می‌دانند (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۸). فالنامه که به امام جعفرصادق (ع) نسبت داده می‌شود کتابی در زمینه‌ی فال‌گیری است که برای مشورت و پیش‌گویی به کار می‌رود. متن کتاب از داستان‌های عامیانه با مجموعه‌های بسیار ناب از تاریخ انبیا ترکیب یافته است (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۱۷). از نگاره‌های نسخه خطی فالنامه تهماسبی می‌توان به نگاره‌ی معراج، نگاره‌ی فتح خیبر، نگاره‌ی قدمگاه امام رضا،

نگاره‌ی معجزه‌ی دو انگشت حضرت علی (ع)،

تصویر شماره ۱: کشتی شیعه، شاهنامه تهماسبی، قزوین، موزه متروپولیتن.

نگاره‌ی روز قیامت، نگاره‌ی نجات مردم از دست

دیو توسط امام رضا (ع)، نگاره‌ی تابوت حضرت علی (ع) و ... اشاره کرد که در ادامه به معرفی و بررسی چند نگاره از این نسخه می‌پردازیم.

## ۳- نگاره‌ی معراج

واقعه‌ی شگفت‌انگیز معراج از مضامین بلند اسلامی است که همواره تخیل نگارگران ایرانی را به خود جلب نموده است. اگر چه در نگاره‌ی معراج فالنامه به مانند بسیاری از نگاره‌های معراج، نگارگر، بخش میانی سفر پیامبر (ص) را به تصویر

**عنوان مقاله:** نموده‌های تشیع در قزوین با تاکید بر منابع تاریخی مصور



کشیده است لیکن وجه تمایز اصلی این نگاره با نمونه‌های دیگر، روایت شیعی مصور شده از این واقعه است. عنصر قابل تأمل این نگاره در میان نگاره‌های مصور شده از معراج، نقش شیر نشسته در گوشه‌ی چپ نگاره است که پیامبر (ص) انگشتی خویش را به سوی او گرفته است. شیر در فرهنگ شیعی نماد حضرت علی (ع) است و هنرمند برای بیان نمادین کانونی‌ترین باور شیعه، یعنی جانشینی حضرت علی (ع) از این نماد و شگرد تصویری بهره برده است. در حالی که معمولاً در نگاره‌های معراج شخصیت اصلی به ترتیب شامل پیامبر (ص)، جبرئیل و سایر فرشتگان می-

شود، ولی در این نگاره، پس از پیامبر (ص) نقش شیر بیشتر از سایر عناصر توجه مخاطب را به خود معطوف می‌دارد. این مسئله به دلیل تمهیدات بصری است که هنرمند استفاده کرده است. در این مورد می‌توان به محل قرار گرفتن شیر و فضای خالی اطرافش، اشاره‌ی دست پیامبر (ص) و نیز دسته‌ی پرچم که به سوی شیر اشاره دارد، کنش و جذابیت خاصی را در این بخش از نگاره ایجاد کرده و چشم مخاطب به سوی شیر هدایت می‌کند. در واقع با این تمهیدات به جای پیکر و شخصیت پیامبر (ص) بر کنش ایشان یعنی دادن انگشت به شیر تأکید شده است. از دیگر سو، شیر به عنوان دومین عنصر مهم تصویری در واقعه‌ی معراج معرفی شده است. تصویرسازی شیر و معنای نمادین آن، این نگاره (تصویر شماره ۲) را در میان نگاره‌های معراج، خاص‌تر می‌سازد و آن را به اثری شیعی و تبلیغی مبدل می‌کند که پیام را به شکلی رسا منتقل می‌نماید (مهدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۱). جانشینی و امامت حضرت علی (ع) هسته‌ی مرکزی گفتمان

**عنوان مقاله:** نمودهای تشیع در قزوین با تأکید بر منابع تاریخی مصور

تشیع را می‌سازد و شیعیان همواره به دنبال این مسئله و اثبات حقانیت و شایستگی حضرت علی (ع) در قضیه‌ی جانشینی پیامبر (ص) بوده‌اند. از این رو روایاتی از معراج وجود دارد که به این موضوع و حضور حضرت علی (ع) در معراج می‌پردازند؛ مانند این مورد که رسول خدا در شب معراج و بر فراز آسمان‌ها از حضور علی (ع) خبر می‌دهد که در میان عرش خدا را عبادت می‌کند و خداوند علی (ع) را به جانشینی پیامبر (ص) برگزیده، جانشین و وصی و رهبر روسفیدان معرفی می‌کند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

#### ۴- نگاره‌ی فتح خیبر



فتح خیبر در نزد شیعیان از جایگاهی مهم و نمادین و فراتر از یک رویداد صرف تاریخی برخوردار است. واقعه‌ی خیبر مورد تأیید اهل سنت نیز هست و در نسخه‌های مختلف مصور شده است؛ اما در این نسخه (تصویر شماره ۳)، روایت شیعی از این واقعه به تصویر درآمده است. در حالی که در روایت اهل سنت، تنها با جنبه‌ی شجاعت و دلیری حضرت روبه‌رو می‌شویم، ولی در روایت شیعی از واقعه‌ی خیبر بر عمل اعجازگونه حضرت بسیار تأکید شده است. اساساً در گفتمان شیعه، بر این مسأله تأکید می‌شود که تمامی امتیازات خاص امامان شیعه و خصایل برتر آن‌ها به دلیل توجه و

عنایت ویژه‌ی خداوند به ایشان است. نگارگر برای بیان تصویری عمل اعجازگونه‌ی حضرت، پاهای حضرت را بر دستان

فرشته‌ای قرارداده است که در میان نگاره‌های فتح خیبر، بی‌نظیر است. با این تمهید تصویری، هنرمند به شکلی نمادین بر پیوند حضرت علی (ع) با آسمان و تکیه ایشان بر نیروهای فرازمینی و الهی تأکید نموده است. علاوه بر بیان روایت اعجازگونه فتح خیبر، در این نگاره با بیان تصویری گفتمان تشیع در رابطه با مقام و منزلت برابر و یکسان حضرت علی (ع) با پیامبر اسلام نیز روبرو می‌شویم. بدین شکل که نگارگر هر دو بزرگوار را با شعله‌های آتش به یک اندازه، روبند چهره و عمامه یک شکل، لباس با نقش و رنگ مشابه و حتی پیکر یک اندازه به تصویر درآورده است. با این تمهید، نگارگر، مقام و منزلت یکسان دو شخصیت را به شکلی تصویری نشان داده است. بر مبنای گفتمان تشیع، مقام حضرت علی (ع) به مانند مقام پیامبر (ص) دانسته می‌شود (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

#### ۵- نگاره‌ی قدمگاه امام رضا (ع)

یکی از آداب و رسوم مهم تشیع، زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام و مکان‌های مقدس است که در یکی از نگاره‌های فالنامه تحت عنوان قدمگاه امام رضا (ع) به تصویر درآمده است (تصویر شماره ۴). ورود و حضور امام هشتم شیعیان در ایران

تصویر شماره ۳: فتح خیبر، فالنامه تهماسبی، قزوین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر شماره ۴: قدمگاه امام رضا، فالنامه تهماسبی، قزوین.

از وقایع مهم تاریخ تشیع است که سبب شد شیعیان به ساختن قدمگاه‌ها مبادرت ورزند تا هم یاد حضور آن حضرت را گرمی داشته و هم از آن مکان مقدس، بهره‌های معنوی نصیب خود سازند. بر همین اساس، در نگاره عبادت کنندگانی به تصویر درآمده‌اند. آن‌ها در حال عبادت ایستاده‌اند و دست‌هایشان را در حین دعا بلند کرده‌اند؛ حالت آنان بیانگر این است که درخواست و حاجتی دارند و برای طلب شفاعت امام (ع) یا برای رفع گرفتاری‌هایشان به این مکان مقدس روی آورده‌اند. در گفتمان تشیع امامان شیعه انسان‌های بزرگ و برگزیده‌ای هستند که وجودشان سرچشمه حیات و فیض و برکت است. آنان واسطه‌ی بین خالق و مخلوق‌اند و پیوند با آن‌ها

بهره‌های معنوی، اخلاقی و مادی را نصیب مردم می‌سازد. موضوع نگاره در فضایی محراب مانند به تصویر درآمده و با نقوش اسلیمی تزیین شده که مدخلی زیبا برای ورود به نگاره را به نمایش می‌گذارد. همچنین، نگارگر از طریق عنصر غیر شمایی یا نشانه‌ای نمادین (نقش پا) به معرفی مکان مقدس پرداخته است. در این نگاره پاها حالتی نمادین و مقدس دارند و برای نشان دادن عظمت امام، در اندازه بزرگ تصویر شده‌اند. پاها بیانگر حضور یکی از اولیای الهی هستند. به همین دلیل، به دقت نقش‌پردازی و زرافشان شده‌اند. عنصر پا در این نگاره را می‌توان با نقش دست (علم)، مقایسه



کرد که نشان پنج تن آل عباس است و در آثار مختلف صفویه دیده می‌شود. در میان پاها رحل قرآن قرار گرفته که شاید نمادی از حضور قرآن ناطق یعنی امام هشتم باشد (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۱۹).

#### ۶- نگاره‌ی تابوت حضرت علی (ع)

در قصه‌های مذهبی شیعه آمده است که حضرت علی (ع) از زمان مرگ خود آگاه بود و به پسران خود وصیت کرد که پس از غسل و کفن، جسد مبارک ایشان را در تابوتی قرار داده و بر پشت شتری گذارند و در بین راه شتر را به شخص نقاب‌داری سپرده و خود برگردند. حسن (ع) و حسین (ع) چنین کردند و در میان راه شتر را به شخص نقاب‌دار سپردند، ولی فرزند کوچک امام نگران شده و به تعقیب شخص ناشناس می‌پردازد تا این که آن شخص نقاب از چهره بر می‌دارد و از او می‌خواهد که برگردد و نگران نباشد و آن شخص کسی نبود جز خود علی (ع) (وکیلیان، ۱۳۸۰: ۵۵). نگاره



تصویر شماره ۵: تابوت حضرت علی، فالنامه تهماسبی، قزوین، موزه متروپولیتن.

(تصویر شماره ۵)، تصویرگر قصه‌ای است که بر الهام آسمانی و قدرت پیش‌گویی حضرت علی (ع) تأکید می‌نماید. مضمونی که به علم لدنی و جایگاه فوق انسانی ائمه در نزد شیعیان اشاره می‌کند. امامانی که با داشتن قدرت معنوی بالا و ارتباط با آسمان، از کلیه امور آینده باخبرند و حتی از لحظه‌ی مرگ خود نیز آگاهند. از جنبه‌ی تصویری نگاره از سادگی خاصی برخوردار است. شتری بزرگ در پایین نگاره دیده می‌شود که تابوت سبز رنگی بر پشت آن قرار دارد و شخص نقاب‌دار، افسار شتر را

به دست گرفته است. از نوشته کنار آن متوجه می‌شویم که او حضرت علی (ع) است. جهت این شمایل به سمت دو شخصیت دیگر در سمت چپ نگاره است که بر طبق نوشته‌ی کنارشان، متوجه می‌شویم فرزندان بزرگوار حضرت هستند. آن‌ها نیز با لباسی زیبا و شعله‌های آتش دور سر دیده می‌شوند و حرکات و حالاتشان متوجه حضرت علی (ع) است. رنگ لباس حضرت با لباس امام حسین (ع) یکسان است. از این طریق نگارگر گفتگویی که در قصه میان علی (ع) و فرزندش حسین (ع) در می‌گیرد را به شکلی تصویری نشان داده و با این تمهید بیننده متوجه می‌شود دو شخصیت اصلی که گفتگو بین آن‌ها برقرار شده، کدامند. حالات دست آن‌ها نیز بر این ارتباط صحنه می‌گذارد. همچنین، جنبه‌ی معنوی و قدسی امامان شیعه به زیبایی هرچه تمام در این نگاره به بیان تصویری درآمده است. این امر به واسطه‌ی کاربست روبند چهره، شعله‌های آتش و لباس‌های فاخر و زیبا، میسر شده است (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

#### ۷- نگاره‌ی نجات مردم از دست دیو توسط امام رضا (ع)

ذکر روایات شگفت‌انگیز در مورد ائمه برای بیان کرامت و برتری آن‌ها نسبت به سایرین، از گذشته‌های دور نزد شیعیان رایج بوده است. این گونه قصه‌ها بر پایه‌ی باور قلبی و ایمان عمیق و بی‌ریای عوام نسبت به بزرگان شیعه، ساخته شده‌اند. موجودات دیوسان در تخیل مردم ایران به منزله‌ی دشمن قهرمانان نیک شناخته می‌شوند و نبرد با دیوها یکی از ویژگی‌های قهرمانان قصه‌های عامیانه ایرانی است. در این نگاره (تصویر شماره ۶)، امام رضا (ع) با روبند چهره، شعله‌های نورانی درو سر و لباسی فاخر بر اسبی آبی رنگ دیده می‌شود که نیزه‌ای به شکم دیوی بزرگ و خشن وارد کرده است. لباس حضرت امام رضا (ع) با توجه به ایمان و اعتقاد ذاتی‌اش به رنگ روحانی سبز است؛ قرآن کریم این رنگ را رنگی بهشتی می‌داند و در اینجا نماد دسترسی به قرب الهی است (ولی پور، ۱۳۹۳: ۹۸). رنگ سبز رنگ اسلام، ولایت و طهارت است. رنگ آبی استفاده شده برای اسب، نشان معصومیت صاحب آن است. رنگ آبی رنگی آرام و الهی و آسمانی است و به معنای رحمت الهی نیز بیان شده است (آیت‌اللهی، ۱۳۷۷: ۱۶۴). برخلاف تصویر دیو که مضطرب و سرکش به نظر می‌رسد، امام مظهر آرامش است. همچنین هنرمند، اندازه دیو را بسیار بزرگ‌تر از امام نشان داده تا بر اهمیت



تصویر شماره ۶: نجات مردم از دست دیو توسط امام رضا، فالنامه تهماسبی، قزوین، موزه لوور.

کار امام یعنی مبارزه با پلیدی بیفزاید. رنگ نارنجی متایل به قرمز دیو را می‌توان نماد تمایل‌های دنیوی، تهاجم، خشونت و وسوسه-های شیطانی دانست که مردم را به ضلالت می‌کشاند. در اقیانوس گروهی از مردم به شکلی بی‌تناسب و بی‌قواره و اسیر در چنگال موجودات وحشی به تصویر درآمده‌اند. مردم هرکدام وحشت زده و سراسیمه و عریان در دنیای متلاطم و ظلمانی گرفتار شده و به دنبال پناهگاهند و از امام رثوف کمک می‌خواهند و برخی به مبارزه امام با دیو می‌نگرند. این کیفیت روایی به نوعی خود مشتمل است بر وجوهی نمادین: گمراهی به دریای متلاطم و

سیاهی تعبیر شده که سرگردانی در آن، تنها به

واسطه چراغ و مشعل ولایت پایان می‌پذیرد. این چراغ فروزان به دست اولیاء و ائمه اطهار است که در دنیای اسلام خاصه مذهب شیعه بسیار بر آن تأکید شده است. این پس زمینه‌ی تباهی و گمراهی، به شباهت به توصیف جهنم نیست (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۲۹).

نسخه فالنامه در دوره‌ای تولید شده که گفتمان تشیع در تمامی سطوح جامعه، غلبه و سلطه داشته است. چراکه شاه تهماسب در مقام سفارش دهنده‌ی این نسخه، اعتقاد و ایمانی عمیق و راسخ به مذهب تشیع داشت و برای ساختن جامعه‌ای شیعی، تکاپوهای سیاسی، فکری و فرهنگی زیادی از خود نشان داد. به طوری که دوره‌ی حکومت شاه تهماسب

**عنوان مقاله:** نمودهای تشیع در قزوین با تأکید بر منابع تاریخی مصور

به دوره‌ی تثبیت یکی از مؤلفه‌های اصلی صفویان یعنی تشیع و غلبه‌ی اندیشه شریعتی-فقاهتی در مقابل گرایش صوفیانه بدل شد (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۶). شاه تهماسب برای ساختن جامعه‌ای شیعی از ابزارها و امکانات گوناگونی استفاده نمود که در رأس آن‌ها می‌توان از سیاست نزدیکی به فقها و علمای شیعی، گسترش آیین‌های شیعی و استفاده از ابزارهای تبلیغی چون روضه‌خوانی و قصه‌خوانی نام برد (صفت گل، ۱۳۸۱: ۲۱۳). قصه‌های برگرفته از قرآن، وقایع و آموزه‌های اسلام و تشیع، قصه‌های مذهبی و شیعی که به شکلی صریح یا کنایه‌آمیز و نمادین بیانگر حقیقت و حقانیت تشیع هستند، شاکله‌ی اصلی نسخه‌ی فالنامه‌ی تهماسبی را می‌سازند و مضامین و مفاهیم کانونی و مهم تشیع مانند حق جانشینی و امامت حضرت علی (ع) به انتخاب خداوند، عصمت امامان شیعه، باور به کرامات و معجزات امامان، باور به شفاعت امامان و بیان شأن و جایگاه قدسی ائمه، در نگاره‌های این نسخه بازنمایی شده‌اند. اگرچه در برخی از نسخه نگاره‌های ایرانی با موضوعاتی از این دست مواجه می‌شویم اما نکته‌ی قابل تأمل و مهم در رابطه با نسخه‌ی فالنامه این است که مضامین اسلامی و شیعی در این نسخه، آن‌گونه که شیعیان باور دارند و بر مبنای باورها و روایت‌های مورد نظر گفتمان تشیع به تصویر درآمده‌اند و در برخی از نگاره‌های این نسخه، نشانه‌ها، نمادها و تمهیدات تصویری قابل تأملی خلق شده است که نسخه‌ی فالنامه را در میان نسخه‌های مصور اسلامی و شیعی، برجسته و شاخص می‌سازد و حتی می‌توان برخی نگاره‌های این نسخه را (مانند نگاره معراج، فتح خیبر) به‌مثابه نگاره‌هایی شاخص و الگو در نگارگری شیعی دانست. چراکه این نگاره‌ها هم از جنبه‌ی مضمونی و محتوایی در راستای گفتمان تشیع به تصویر درآمده‌اند و هم از جنبه‌ی شکلی، بیانگر مفاهیم، باورها و روایت‌های گفتمان تشیع هستند. به بیان دیگر، گفتمان تشیع در صورت، محتوا و روش تصویرسازی نگاره‌ها به ظهور رسیده است. به همین دلیل، نگاره‌های این نسخه، به مانند سایر تولیدات فرهنگی شیعیان، مخاطب را به فضای گفتمانی تشیع رهنمون می‌سازند (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۱).

نتیجه‌گیری

گفتمان تشیع مجموعه‌ای منسجم از مفاهیم، باورها و روایت‌های خاص را در برمی‌گیرد و یکی از مفاهیم اصلی و مهم این گفتمان، تأکید بر جایگاه قدسی و ابعاد معنوی شخصیت‌های مقدس شیعه است. از منظر گفتمان شیء نگاره‌هایی شایسته و درخور نام شیعی هستند که علاوه بر بازنمایی مضمون یا به تصویر کشیدن شخصیتی شیعی، از لحاظ محتوا، قالب، صورت و روش بیانی نیز در راستای مبانی اصلی و مفاهیم کلیدی گفتمان تشیع باشند. نگاره‌های منابع تاریخی مصور قزوین که در دوره صفوی به وجود آمده و در این پژوهش تعدادی از آنها معرفی و بررسی شدند با اجتناب از روش واقع‌گرایانه و با به کارگیری نشانه‌ها، نمادها و تمهیدات تجسمی و تصویری، توانسته‌اند باورها، روایت‌ها و مفاهیم رمزی و معنوی را در قالب تصویر به تجسم درآورند و نگاره‌های شیعی را از نگاره‌های مذهبی متمایز سازند. همچنین شمایل و چهره‌ی شخصیت‌های مقدس شیعه را به شکلی نمادین و با عناصر تزئینی خاص به تصویر کشیده و بر جایگاه بی‌بدیل و قدسی ایشان تأکید نمایند و مخاطب را به شناخت وجه معنوی و کمال باطنی ایشان هدایت کنند. در این مضامین برخلاف نسخه‌های دوره‌های قبلی با بازنمایی چهره‌های تاریخی و مذهبی مواجه نمی‌شویم بلکه شخصیت فرا انسانی و معنوی و قدسی ایشان، همان گونه که در تشیع فقه‌ای بازگو شده مدنظر قرار گرفته است. در این نگاره‌ها با قصه‌های عامیانه که نظر و احساس مردم عادی جامعه پیرامون شخصیت و جایگاه ائمه شیعه را نشان می‌دهند روبرو می‌شویم. در حقیقت قصه‌های عامیانه ریشه در اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، دانش‌ها و نیازهای یک جامعه دارند و اعتبار خود را از همین مسئله به دست می‌آورند. این نوع ادبیات که تعلق به عوام و توده مردم دارد، ساده و بی‌پیرایه‌اند و نظرگاه اجتماعی و جهان‌بینی توده مردم را نمایندگی می‌کنند و شخصیت‌های قصه‌های عامیانه مذهبی مصور شده نقاط مشترک چندانی با هویت و شخصیت‌شان از نظر تاریخی ندارند. با توجه به این که شیوه‌های هنری بر بستری از شرایط و تحولات اجتماعی به ظهور می‌رسند، تجلی باورها و روایت‌های مورد تأکید تشیع در نگاره‌های مورد بحث را بایستی متأثر از غلبه و سلطه‌ی تمام عیار گفتمان تشیع در تمامی سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دانست.

منابع

- آیت اللهی، حبیب الله، ۱۳۷۷، مبانی نظری هنرهای تجسمی، انتشارات تهران، سمت،
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، ۱۳۸۷، نقدالمنقول و المحکم الممیز بین المردود والمقبول، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- احمدی نیا، محمدجواد، ۱۳۹۳، نگاره های شاهنامه طهماسبی از هاروارد تا فرهنگستان هنر، فصلنامه نقد کتاب، سال اول، شماره ۱ و ۲، تهران.
- پاشازاده اسپناچی، محمدعارف، ۱۳۷۹، انقلاب الاسلام بین الخواص والعوام، محقق و مصحح رسول جعفریان، چاپ اول، قم، نشر دلیل.
- پاکباز، رویین، ۱۳۸۴، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، انتشارات زرین و سیمین،
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، تاریخ تشیع در ایران، چاپ اول، تهران، نشر علم،
- حموی بغدادی، یاقوت، ۱۹۵۵ م، معجم البلدان، چاپ دوم، بیروت، دارصار.
- دوغلات، میرزا محمد حیدر، ۱۳۸۳، تاریخ رشیدی، به تحقیق و تصحیح عباس قلی غفاری فرد، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب.
- رافعی قزوینی، ۱۴۰۸ ه ق، عبدالکریم بن محمد، التدریس فی اخبار قزوین، تحقیق عزیزالله عطاردی قوچانی، چاپ اول، لبنان، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- شایسته فر، مهناز، ۱۳۸۴، عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه نگاری تیموریان و صفویان، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- صفت گل، منصور، ۱۳۸۱، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران، خدمات فرهنگی رسا.

- عادلفر، باقرعلی، فراهانی فرد، رقیه، ۱۳۹۰، کالبدشناسی شهری قزوین در دوران صفوی، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۷۰-۵۱.
- کولسینکف، آئی، ۲۵۳۷، ایران در آستانه یورش تازیان، پیراستارن، و، پیگولوسکایا، ترجمه م. ریحایی، تهران، انتشارات آگاه.
- لاکهارت، لارنس، ۱۳۸۳، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۸۲، سیمای پیامبر از دیدگاه گوناگون، تهران، انتشارات اسلامی.
- مستوفی قزوینی، حمداله، ۱۳۶۴، تاریخ گزیده، به تحقیق و تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران، نشر امیر کبیر.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، ۱۴۰۹ هـ، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ دوم، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره.
- مهدی زاده، علیرضا، ۱۳۹۵، بررسی مضمونی نگاره‌های نسخه فالنامه تهماسبی شاهکار هنر شیعی عصر صفوی، تاریخ و فرهنگ، سال چهل و هشتم، شماره پیاپی ۹۷، صص ۱۳۰-۱۰۵.
- مینورسکی، ۱۳۸۷، ایران در زمان نادرشاه، رشید یاسمی، به تحقیق و تصحیح اصغر عبداللی، چاپ پنجم، دنیای کتاب، تهران.
- وکیلان، سید احمد، صالحی، خسرو، ۱۳۸۰، حضرت علی در قصه‌های عامیانه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

- ولی پور، مرضیه، ۱۳۹۳، بررسی جلوه‌های بصری اخبارالرضا در فالنامه‌ی تهماسبی، فصلنامه‌ی فرهنگ رضوی، شماره

۷، صص ۱۰۶-۸۱.

## Shi'ah Symbols in Qazvin with Emphasis on Illustrated Historical Resources

Sattar Zolfi <sup>1</sup>

Shahrbano Delbari\* <sup>2</sup>

Ardeshir Asadbigi <sup>3</sup>

Mahmoud Mahdavi Damghani <sup>4</sup>

### Abstract

In this descriptive-analytic study with data and images collected through library and virtual methods, a number of Shi'ah themed manuscripts of the Qazvin school have been introduced. The results of this study indicate that the stories derived from the Qur'an, events and teachings of Islam and Shi'ism, which explicitly or symbolically represent the truth and legitimacy of Shi'ism, constitute the main frame of these images. In addition, the important concepts and notions of Shi'ism such as the right of succession and Imamate of Prophet Ali (PBUH) chosen by God, the infallibility of the Shiite Imams, the belief in the miracles and wisdoms of the Imams; also the intercession of the Imams and the expression of the dignity and status of the Imams, are represented in these paintings. Artists who have created such works have been able to visualize coded and spiritual beliefs, narratives, and concepts by avoiding a realistic approach and by applying symbols, signs and visual and tangible arts; moreover, Shi'ah paintings are distinguished

<sup>1</sup> . PhD student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Theology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran sattar.zolfi@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Theology and Education, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran, (Corresponding Author) attarikh\_2003@yahoo.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Theology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran Jafar.asadbeigi@gmail.com

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Theology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran Jafar.asadbeigi@gmail.com



from religious paintings. They have also portrayed sacred figures and icons of Shi'ah Islam in a symbolic manner with the use of special decorative elements, emphasizing their unique and sacred status and directing the audience to their spiritual and intrinsic perfection.

### **Research objectives:**

- 1- Introducing the Shi'ah manuscripts of the Qazvin School and describing and explaining the main features of the applied paintings.
- 2- Examining the presence of the images of holy Shi'ah figures, content, narration and expression method appearing in the Qazvin manuscripts with respect to significant Shiite concepts.

### **Research questions:**

- 1- What are the themes and concepts represented in the paintings of the Qazvin school?
2. What is the artist's purpose in representing Shi'ah themes and concepts, and what are the arrangements and symbols used to depict them?

**Keywords:** Shi'ah, Safavid era, historical sources, manuscripts, Qazvin school.

### **Introduction**

One of the cities that was conquered by Islamic soldiers during the conquest with the existence of both types of thinking (Shi'ah and Sunni majority) was Qazvin. Today, the city is home to almost 100 percent of the Shi'ah population. Like many parts of Iran during the conquest, Qazvin's people became acquainted with Islam through the troops carrying and distributing the message Sagifa. However, it appears that the Shi'ah since the early years of the conquests led to the familiarity of the people with Shi'ah principals with the arrival of Ghazians in the city. This familiarity was very persistent to the extent that the people of Qazvin were devote followers of Shi'ah Islam during the early emergence of the Safavids. Hence, the commencement of a new phase in the Islamic history of Iran begins with the ruling of the Safavid monarchy. The Safavids created the culmination of certain developments during a long religious-rational history based on Shi'ah principals. The fall of the Mongols and the conversion of Muhammad Khodabandeh Oljayto religious perspective towards Shi'ah Islam paved the way for the growth of this religion in Iran. These great events continued the initial Shiite influence created by the Sufi sects. The key role of these sects was to prepare people for acceptance

of Shiite-dominated Islam by emphasizing the spiritual and divine aspects of religion; hence, the importance of Shiite religion and its tendency was the most obvious feature of the late Mongol era (Shayestehfar, 2005: 196).

Artworks were predominantly purposeful and dependent during the period of religious rulings and artistic advocates focused on particular ideologies and beliefs; hence, religious and sacred themes are manifested in such artworks. The emergence of Shi'ah themes in artworks that began before the Shi'ah religion became official in Iran gained rapid growth during the Safavid era and continued until the Qajar era. The relationship between Shiite themes and art is found not only in book illustrations but also in other arts such as wall-paintings, tile designs, lacquer paintings, back glass artworks and even carpet patterns that expresses a deep connection between the foundations of Shi'ah thoughts and Iranian life. Shi'ah discourse encompasses a coherent set of concepts, beliefs and narratives that, with Shiite mentality, reproduce in all aspects of their individual and social life, and is reasonably manifested in painting beholding Shi'ah concepts. Given that the Shiite tendency calls for a special discourse on Islamic concepts and theorems, it is necessary to describe and analyze Shiite figures in the light of the concepts, beliefs and narratives in question and to emphasize Shi'ah discourse. In this way, one can obtain remarkable results on the different nature and aspects of Shiite painting and extend the theoretical foundations of Shi'ah art and painting.

## Conclusion

Shiite discourse encompasses a coherent set of specific concepts, beliefs and narratives, and one of the main and vital concepts of this discourse is to emphasize the sacred status and spiritual dimensions of Shiite sacred personalities. From the point of view of object discourse, the Shi'ah are worthy illustrations that, in addition to representing or illustrating a Shi'ite personality, are also in line with the basic principles and key concepts of Shiite discourse in terms of content, form, procedure and method of expression. Illustrations of historical sources of Qazvin drawings created during the Safavid period and some of them were introduced and investigated in this study, concepts by avoiding a realistic approach and by applying symbols, signs and visual and tangible arts; moreover, Shi'ah paintings are distinguished from religious paintings. They also portray the sacred figures and icons of the Shiite belief sacred figures in a symbolic manner, with special decorative elements, emphasizing their unique and sacred status and directing the

audience to their spiritual and intrinsic perfection. In these themes, unlike earlier versions, we are not confronted with the representation of historical and religious figures, but with their extra-human, spiritual and sacred character, as stated in the Shi'ism principals. In these paintings, we come across folk tales that illustrate the opinion and sentiment of ordinary people about the personality and status of Shiite Imams. In fact, folk tales are rooted in the beliefs, theories, values, knowledge, and needs of a society and derive their credibility from the issue. This type of literature, which belongs to the populace and the masses, is simple and unassuming, representing the social and world view of the masses, and the personalities of religious folk tales illustrated have much in common with identity and they have no personality-historically. As artistic styles emerge on the basis of social conditions and developments, the manifestation of Shiite-emphasized beliefs and narratives in the paintings in question must be influenced by the overwhelming dominance of Shiite discourse at all levels of political, social and cultural knowledge of the society.

## References

- Ahmadi Nia, Mohammad Javad, 2014, Shahnameh Tahmasebi Paintings from Harvard to Academy of Art, Book Review, Vol. 1, No. 1 and 2, Tehran.
- Ayatollah, Habibollah, 1998, Theoretical Foundations of Visual Arts, Tehran Publications, Post,
- Daghlat, Mirza Mohammad Heydar, 2004, The History of Rashidi, Researched and Corrected by Abbas Gholi Ghafari Fard, First Edition, Tehran, Written Heritage.
- Daghlat, Mirza Mohammad Heydar, 2004, The History of Rashidi, Researched and Corrected by Abbas Gholi Ghafari Fard, First Edition, Tehran, Written Heritage.
- Hamoi Baghdadi, Ruby, 1955 AD, Mujam al-Baldan, Second Edition, Beirut, Darussar.
- Ibn Qaim Jawziyyah, Muhammad bin Abi Bakr, 2008, Naqd al-Muqul and al-Muhak al-Mamiz between al-Mardud and Maqbool, Qom, Islamic Information and Documentation Center.
- Jafarian, Rasool, 2007, Shiite History in Iran, First Edition, Tehran, Science Publishing,

- Massoudi, Abolhassan Ali bin al-Hussein, 1409 AH, Proponents of Al-Dahab and Al-Jawahar Mines, Second Edition, Asad Daghar Research, Qom, Darul Jahra.
- Mehdi Zadeh, Alireza, 2016, Thematic Examination of the Manuscripts of the Taleb Masbiyyah of Masterpieces of Safavid Shiite Art, History and Culture, Forty-eighth Year, Series 97, pp. 130-105.
- Minorsky, 2008, Iran in the Time of Nader Shah, Rashid Yasemi, by Research and Correction by Asghar Abdollah, Fifth Edition, Book World, Tehran.
- Mostofi Ghazvini, Hamdollah, 1985, Excerpted, with research and correction by Abdolhossein Navaei, Third Edition, Tehran, Amir Kabir Publication.
- Pakbaz, Royin, 2005, Painting of Iran from long ago to today, Tehran, Zarrin and Simin Publications
- Pashazadeh Spnaghchi, Mohammad Arif, 2000, Revolution of Al-Islam between Properties, Scholar and Prophet Rasul Jafarian, First Edition, Qom, Reason Publishing.
- Rafi Qazwini, 1408 AH, Abdul Karim bin Mohammed, al-Tuddin Fay Akhbar-Qazwyn, Inquiry by Azizollah Ataradi Quchani, First Edition, Lebanon, Dar al-Kutab al-Umayyah, Muhammad Ali Bezun Charter.
- Shayestehfar, Mahnaz, 2005, Elements of Shiite Art in Timurid and Safavid Inscriptions and Paintings, First Edition, Tehran, Institute of Islamic Studies.
- Vakilian, Seyyed Ahmad, Salehi, Khosro, 2001, Ali in Folk Tales, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran.
- Valipour, Marzieh, 2014, Investigating the Visual Effects of Al-Reza's News in Tahmasebi's Falaimi, Journal of Razavi Culture, No. 7, pp. 106-81.